



۵۲

سوسیالیسم امروز

۹ جون ۲۰۱۸ - ۱۹ خرداد ۱۳۹۷

www.simroz.org

S_zijji@yahoo.se

سرود: سلام زیجی

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش کمونیستی و کارگری

(بازتکثیر متن سخنرانی رفیق سلام زیجی
در "هفته منصور حکمت")

صفحه ۴

چند خبر و گزارش کارگری در هفته ی که گذشت

صفحه ۷

گزارش تصویری کمپین نه به اعدام

صفحه ۱۰

از رسانه های دیگر:

-از مبارزات بحق کارکنان حمل و نقل کامیونی در سراسر
کشور و از ضرورت ایجاد سندیکاهای مستقل کارگران
مزدی ترابری پشتیبانی کنیم

-ماجرای تلخ تجاوز به دختر ۵ ساله در خمینی شهر

تجاوز به حقوق و جسم کودکان، ننگ سرمایه داری و ارتجاع مذهب

ابراهیم باتمانی

چند روز پیش خیر هولناک و تکان دهنده و غیر انسانی در یکی از دبیرستانهای تهران، که به دهها کودک بیگناه و بخت برگشته در زیر سایه حکومت عدل الهی مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته بودند، رسانه ای شد. این حرکت کثیف و شنیع به وسیله ناظم این دبیرستان انجام شده بود. درز کردن این خبر از کانال خود بچه ها و خانواده هایشان صورت گرفت. "رهبرخامنه ای"، این سازمانده و مدافع تجاوز شرعی به کودکان، با عوامفریبی کامل، و بخاطر ترس از بروز خشم و عکس العمل جامعه، "دستور رسیدگی فوری" به آن اتفاق را صادر کردند!

با شنیدن این نوع اخبار دل هر انسان آگاه و انسان دوست و شرافتمندی به درد می آید، باید تلاش نمود بدوا علل وقوع و گسترش چنین پدیده های ضد انسانی را به درستی شناخت و همه کاسه و کوزه ها را فقط روی سر مرتکبین چنین جنایت های نه شکاند، چرا که خود آنها نیز پرورش یافته و قربانی دست یک فرهنگ و سیاست و ایدئولوژی معینی هستند، و ثالثا به جای پرده پوشی اصل مشکل و آدرس غلط دادن، ضروری است با صدای بلند به آن پدیده پرداخت و راه واقعی مبارزه با آن و پایان دادن به جنایت نسبت به کودکان و نوجوانان را به درستی دریابیم. ← صفحه ۲

کارگران جهان متحد شوید!



بگذارید در همین رابطه به آثاری از شخص خمینی، این نماینده خدا و امام امت، و رهبر همین آدمکشان و متجاوزین به حقوق کودکان را برای خواننده گان عزیز که تا حال ندیده اند اشاره کنم، و اکنون قضاوت با خود خوانندگان خواهد بود.

کتاب تحریر الوسیله خمینی صفحه ۲۵۸ جلد دوم میگوید

"نزدیکی با زوج قبل از اتمام شدن ۹ سال جایز نیست. نکاحش دائمی باشد یا منقطع. و اما سایر لذتها مانند لمس نمودن با شهوت و بغل گرفتن و تفضیح حتا در دوره شیرخواری اشکالی ندارد". بله این کتاب خمینی در حوزه علمی قم و حوزه های دیگر در سراسر ایران تدریس میشود و به فرهنگ جامعه تبدیل کرده اند. طبق این حکم احمقانه خمینی، آخونده ها و بسیجیها و حزب الهی ها و سربازان گمنام امام زمان و گروه ارشاد و جان بازان و... تجاوز به بچه مردم را حلال، قانونی و مثل آخوردن برایشان ساده شده است. بنابر این بنا به سنت و دستورات محمد و خمینی و ابوبکر البغدادیها از نظر اسلام و شرع تجاوز به کودکان هیچ ایرادی ندارد و جرمی هم شامل متجاوزین به کودکان نمیشود.

بنا به پرورش و تبعیت از این فرهنگ، هر روز به کودکان تجاوز میشود، فقط موارد کمی علنی و رسانه ای میگردد. هفته گذشته نیز یک دختر بچه پنج ساله افغانی مورد تجاوز سه مرد وحشی و درنده قرار میگیرد. و بعد از چند ساعت جنازه نیمه جان بهاره در یک خرابه ای پیدا میکنند. در همین رابطه محمد جوادابیطی "نماینده" خمینی شهر در مجلس شورا اسلامی، و نماینده راستین قران و خمینی روز گذشته در نامه ای خواهان برکناری رئیس اورژانس اجتماعی به دلیل انتشار خبر تجاوز به کودک پنج ساله افغانستانی شده بودند! و عصبانی است از این جهت که چنین موضوعاتی که پیش ایشان و نظام و اسلامش یک امر عادی تلقی میشود، نمیبایست در رسانه ها باز تاب می یافت! دوباره در همین چند روز جسد دختر بچه حدود ده ساله دیگر با هویت نامشخص در مسیر فرودگاه آبادان در نزدیکی شهر خرمشهر پیدا شده است و جسد او را هم آتش زده بودند. بدین ترتیب ماشین تجاوز و آزار و جنایت نسبت به کودکان بطور بی وقفه در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، جان کودکان را میگیرد. به علاوه هم اکنون در زندانهای جمهوری اسلامی طبق آمار خودشان ۶۰۰ کودک همراه مادرانشان در زندان به سر میبرند، هیچ تردیدی نباید داشت که چنین کودکانی سالم به جامعه بر نمیگردند و این حکومت جنایتکار برایشان اصلا مهم نیست. چه برسد به هزاران کودک و نوجوان دختر بچه در ایران به علت فقر و ناداری و مشکلات اجتماعی و یا با زور به شوهرشان میدهند. حتی بنا به سنت و شریعت جاهلین در دوره بزرگ سالی نیز تن فروشی زنان را در پوشش صیغه رواج میدهند. و از این کانال برای خود پولهای هنگفتی به جیب می زنند.

← ادامه

تجاوز به حقوق و جسم کودکان، ...

باید درست متوجه شد که این نوع جنایتها، از تجاوز جنسی و روحی تا تحمیل فقر، کار خیابانی، باز شدن دست مافیا در فروش جسم و روح شیرین کودکانمان از کدام فرهنگ، منفعت و مناسبات کدام سیستم و نظام طبقاتی و مذاهب تاثیر گرفته و سر چشمه میگیرد. واقعیت این است در جهان امروز، تمام این جنایتها و فلاکتی که به کودکان تحمیل میگردد محصول نظام سرمایه داری است. به خاطر پول و منفعت و در قدرت ماندن مادام العمر خودشان، و برای رام کردن کل جامعه زیر دست خودشان باید از راه تعرض به خردسالان شروع کنند. از هر نظر، از جمله تعرض جنسی و روحی و شخصیتی به کودکان بخش تفکیک ناپذیری از منافع سرمایه داری و سرمایه داران و مذاهب، به ویژه مذهب وحشی اسلام و دولتهای حامی آنها را تامین میکند. تجاوز به کودک و آزار دادن آنها پدیده جهانی شده است و روزی نیست که قربانی نگیرد. هر روز هزاران هزار کودک میمیرند بخاطر کار بردگی، بخاطر گرسنگی، زیر بمبارانها و بردنشان به جنگهای تروریستی، و یا بدون برخوردار از دکتر و دارو، و یا در شکل شنیع تجاوز به آنها در مدارس و محل کار و خیابانها، و در مراسمهای "ازدواج" و کلوبهای سکس که "قانونی" هم هست!

اما بیشترین امار جنایت علیه کودکان، از جمله جنایت هولناک تجاوز جنسی به کودکان، در کشورهای اسلام زده میباشد. چرا؟ زیرا علاوه بر وجود منفعتهای کور اقتصادی نظام سرمایه داری در این مناطق ایدئولوژی و فرهنگی حاکم است که تماما نرسالار، ضد زن، ضد کودک و افسار گسیخته و الهام گرفته از حکایت محمد و قران است! به خاطر اینکه خود "حضرت محمد" وقتی با عایشه به اسم ازدواج به این دختر بچه تجاوز شرعی کرد ایشه ۹ سالش بود. این تنها حرف من نیست تاریخ این جنایت و تجاوز را ثبت کرده، در قران و شریعت شان نوشته شده است، و این جنایت و فرهنگ "بچه بازی" را به قانون و فرهنگ هر انسان بی وجدانی تبدیل کرده اند که از آن پیروی میکند. وقتی همزمان صدها دختر بچه از هفت سال تا دوازده سالگی با مردهای بیست و پنج تا چهل- پنجاه سالگی را در یک روز به اصطلاح جش عروسیشان را در این نوع کشورها می بینیم گویای این بربریت و تجاوز علنی به کودکان در پوشش همین اسلام ضد انسانی شان است.

در ایران نیز بدون تردید کلیه شواهد و پراتیک و قانون و عملکرد چهل ساله حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نشان داده و میدهد که در این زمینه نیز دقیقا مانند "حکومت اسلام محمدی" عمل میکنند. در حکومت جمهوری اسلامی ایران تجاوز به کودکان، از جمله دختر بچه ها جرم نیست، قانونی و شرعی به حساب میاید. همانگونه که برای اسلام سنی و داعشی و بردگان جنسی هم چنین است. مگر سعید طوسی قاری قران نور چشمان رهبر معظم خامنه ای شیاد و دزد، تجاوز به چندین کودکی که رفته بودن همین کتاب فاسد پرور قران را، که اجازه تجاوز به کودک به آنها میدهد، مورد تجاوز قرار نمی گیرند؟ مگر سعید طوسی با مجازاتی مواجه شد؟ نه! هنوز هم دارد شغل شریفش را ادامه میدهد و به کسی هم حساب پس نمیدهد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تجاوز به حقوق و جسم کودکان، ...

این رژیم نه تنها رژیم جنایت و سرکوب و تحمیل فقر بی وقفه است، نه تنها یک نظام ضد کارگر و ضد زن و ضد آزادی است، که رژیم سرمایه داران و اسلامیون و سیستمی است که حتی به جان و زندگی و امنیت و حرمت بی دفاع کودکان نیز هیچ رحمی نمیکند. آیا



کسی هست بعد از چهار سال تجربه آن حقایق تلخ و زندگی کردن در این منجلاب هنوز در توهم بسر ببرد و یا امیدوار به تغییر چنین رژیمی باشد؟ این همه تحقیر و سرکوب و تجاوز جنسی که از طرف عوامل فاسد جمهوری اسلامی و مرتجعین به کودکان در ایران صورت میگیرد، اگر در هر کشور نیمچه متمدنی چنین اتفاقات تلخ و ناگواری می افتاد مردمان آن کشور کل آن حاکمیت را ساقط می کردند.

جوانان، کارگران، زنان ستمدیده، انسانهای آزادیخواها و برابر طلب و شرافتمند، مدافعان حقوق کودک!

چرا این شرایط را تحمل میکنید؟! این جنایتکاران چهل سال است دارند دزدی و جنایت و فقر و فلاکت و بیکاری و اعتیاد و فحشا و شلاق زدن و اعدام کردن و بلاخره بی حرمتی و تجاوز به کودکانی که باید مانند مردمک چشم از آنها حفاظت نمود، به یک پدیده عادی و هر روزه تبدیل کرده اند. باید به میدان آمد و این کثافت اسلامی را از سر راه برداشت. باید متحد شد و با قدرت خود این رژیم دیکتاتور و جنایتکار را به زباله دان تاریخ ریخت. هیچ راه دیگر نداریم جز اتکا به خودمان و به اتحاد و سیاست روشن و سوسیالیستی و انقلابی، راهی جز سازماندهی خود برای شروع اعتراض و اعتصابات محکم و گسترده، و آماده شدن برای سرنگونی قهر آمیز این رژیم فاشیست دینی جلو خود نداریم!

در این مبارزه، حزب سوسیالیست انقلابی ایران با سیاست روشن و طبقاتی و سوسیالیستی، سنگر به سنگر در کنار شما و در صف اول مبارزه برای سرنگونی کلیت نظام وحشی جمهوری اسلامی قرار دارد. بیائید متحدانه این مبارزه و این حزب را مستحکم تر و قدرمند تر کنیم!

ننگ بر جمهوری اسلامی و متجاوزین به حقوق و جسم کودکان!

نماینده مجلس خواستار اخراج مسئول رسانه‌ای شدن تجاوز به دختر افغان شد



**حکومت اسلامی
متجاوز به کودکان
اوباشان مانند این
جاتی نیاز دارد**

ماجرای تلخ تجاوز به دختر ۵ ساله در خمینی شهر

خبرگزاری هرانا - مجربضا کریمی، عموی دختر پنج ساله‌ای است که هفته گذشته در خمینی‌شهر مورد تجاوز قرار گرفت. اداره بهزیستی شهرستان خمینی شهر به عموری این دختر گفته است که مشاور جهت رسیدگی به این موضوع می‌فرستند ولی تاکنون کسی را نفرستاده‌اند. آقای کریمی در این خصوص می‌گوید: "حال بهاره خوب نیست، دختر برادرم ۵ سال بیشتر ندارد و بچه هفتم از ۹ فرزند خانواده است. از وقتی که این حادثه تلخ برایش پیش آمد مدام بی‌قراری می‌کند."

به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از اینلنا، محمد رضا کریمی درباره این اتفاق گفت: "ماجرای صبح چهارشنبه گذشته ۹ خرداد ۹۷ اتفاق افتاد. مدتی بود خانواده بهاره از خانه مستاجر قديم خود به خانه جدید اثاث‌کشی کرده بودند. آن روز صبح برادرم همراه با دخترش بهاره به خانه قبلی‌شان رفت تا بعضی از وسایلی را که در آنجا مانده بود بردارد."

عموی بهاره در ادامه افزود: "متأسفانه بهاره منتظر نماند تا کار پدرش در آنجا تمام شود و به تنهایی به سمت خانه‌شان برگشت. در راه بازگشت بود که این اتفاق شوم افتاد."

وی در ادامه با اشاره به اینکه یکی از همسایگان زن محل نیز آن مرد را دیده بود، گفت: "آن طور که بهاره برایمان تعریف کرد مرد متجاوز ابتدا چشمان دختر را بست و به خرابه‌ای که در آن نزدیکی بود، برد تا اینکه بعد از یکی دو ساعت زنی بهاره را می‌بیند و به همسایگان برادرم تحویل می‌دهد. زن وقتی از این محل رد می‌شود دختر بچه را در وضعیت بدی می‌بیند و مردی که را سوار بر موتور در حال فرار است."

عموی کودک قربانی گفت: "این زن، بهاره را به همسایه‌ها می‌سپارد و آنها نیز به خانواده برادرم خبر می‌دهند. پس از این حادثه تلخ بهاره را به بیمارستان و سپس به پزشکی قانونی خمینی شهر بردیم. آنها بهاره را معاینه کردند ولی تا امروز - یکشنبه ۱۳ خرداد ماه - هیچ جوابی به ما ندادند."

کریمی در پاسخ به این پرسش که آیا متعرض یک نفر بوده است؟ گفت: "تا آنجا که بهاره تعریف می‌کند یک نفر بود. هر چند بهاره بعد از بیهوشی متوجه چیزی نشده است. البته نمی‌دانم رسانه‌ها ۲ نفر را از کجا آورده‌اند. پلیس هم که چیزی به ما نمی‌گوید. هنوز اطلاع دقیقی نداریم. حتی بعضی‌ها نوشتند بهاره پایش شکسته شده در صورتی که چنین چیزی صحت ندارد."

عموی بهاره افزود: "اداره بهزیستی شهرستان خمینی شهر نیز گفته مشاور جهت رسیدگی به این موضوع می‌فرستیم که تاکنون کسی نیامده است." به گفته عموی این دختر، از طریق سفارت افغانستان در ایران در این خصوص گزارش تهیه و شکایتی هم تنظیم شده است.

وی افزود: "با وجود اینکه ما کاملاً به طور قانونی در ایران زندگی می‌کنیم اما نمی‌دانم چرا هیچ کس پیگیری نمی‌کند."

وی ادامه داد: "حال بهاره خوب نیست، دختر برادرم ۵ سال بیشتر ندارد و بچه هفتم از ۹ فرزند خانواده است. از وقتی که این حادثه تلخ برایش پیش آمد مدام بی‌قراری می‌کند." سلیمانی مدیر کل دفتر امور اتباع خارجه استان اصفهان در این زمینه گفت: "روند قانونی این پرونده در حال پیگیری است و مددجویان بهزیستی نیز در حال بررسی موضوع هستند."

رئیس اورژانس اجتماعی کشور نیز گفت: "هنوز اطلاعات و شواهدی که تایید کننده خبر منتشر شده باشد بدست نیامده است و بررسی‌های اورژانس اجتماعی در این زمینه ادامه دارد."

رضا جعفری گفت: "حسب وظیفه ذاتی، حمایت روانی اجتماعی از کودک توسط مرکز فوریت‌های اجتماعی شهرستان مانند سایر موارد خسوت‌های خانگی در حال انجام است."

لازم به ذکر است، پیشتر رئیس اورژانس اجتماعی کشور تجاوز به یک کودک در خمینی‌شهر را تایید کرد و گفت که طی هفته گذشته در حالی که این دختر بچه در مقابل خانه مشغول بازی بوده، از سوی سه مرد ربوده و پیکر نیمه جان او چند ساعت بعد در خرابه‌ای پیدا می‌شود.

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی، نه به قدری نظامی!

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش کمونیستی و کارگری (بازتکثیر متن پیاده شده سخنرانی رفیق سلام زیجی در "هفته منصور حکمت")



وحدت خلق خدمت به بورژوازی است" و کمونیستها و سوسیالیستها را فرا می خواند که به مارکس بچسبند و یک جنبش دیگر را بر پا کنند. تحصن کارگران در انقلاب ۵۷ یعنی در ۲۷ اسفند ۱۳۵۷ اتفاق افتاد. در آن تحصن یکی از کارگران خطاب به حکومت آن وقت می گوید: "شما موظفید! باید وام را قبل از عید به کارگرها بپردازید"، وزیر کار وقت، داریوش فروهر، در جواب به کارگران می گوید "از ارس تا خلیج فارس کسی که به من باید بگوید به دنیا نیامده است". منصور حکمت در آن تاریخ بلند می شود و جواب داریوش فروهر و حکومت آن وقت را می دهد. می گوید: "این افاضات را نباید بی پاسخ گذاشت و جناب داریوش فروهر (وزیر کار) را باید سرچایش نشانند" و از کارگران حمایت کرد. به همین ترتیب ما منصور حکمت را می بینیم که قدم به قدم جلو می آید و نقش ایفا می کند و می آید جلوی جنبش. "دورنمای فلاکت و اعتلای انقلاب نوین" - تزهایی درباره اهمیت سیاسی بحران اقتصادی - را می نویسد. همان طور که گفتیم در این جلسه و در این ظرفیت، من امکان تمرکز و باز کردن کل این رویدادها و مضمون این بحث ها را ندارم. تک تک این اسناد در هر قدمی از تحولات سیاسی آن دوره در ایران کل چپ را دگرگون می کرد.

در سال ۱۳۵۸ "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" را می نویسد و به یک جدل وسیع در جنبش کمونیستی دامن می زند و آن جنبش عمیقاً ملی و پوپولیست را تحت تأثیر خودش قرار می دهد. منصور حکمت در آنجا می گوید: "بینش های عموم خلقی، برابر است با خلع سلاح ایدئولوژی سیاسی طبقه کارگر در مقابل بورژوازی" و نیز می گوید: "انحرافات و بینش های ضد مارکسیستی مانند ملی و مترقی، دانش بخشی از بورژوازی و پروژه بخشی از بورژوازی حاکم در آن کشور است" او در ادامه می گوید: "بهانه هایی چون مرحله انقلاب سوسیالیستی نیست، کارگران را از آگاهی سوسیالیستی خود محروم می کند و آنها را به بورژوازی متوهم می کند". این چکیده بحثهایی است که هیچ کمونیستی و هیچ چپی از تاریخ آن وقت ایران هنوز نشنیده است. تا آن زمان مائو و کاسترو و استالین، که ربطی به مارکس و کارگر و انقلاب کارگری نداشتند، پرچم چپ بود و نمایندگی می شد.

منصور حکمت کمونیست را یک جور دیگری، و شبیه خود مارکس تعریف کرده است. در همان بحثهایش خطاب به چپ و کل جامعه می گوید: "شاید هیچ یک از حربه های ایدئولوژیک بورژوازی به اندازه این لقب (لقب کوتاه ملی) که

رفقا! همانطوریکه سرتیتر موضوع بحث امروز نشان می دهد، صحبت های امروز من در هفته حکمت، مروری گذرا بر تأثیرات منصور حکمت و نقش ایشان در جنبش چپ و کمونیسم در ایران است. منتها واقعیت این است که همه واقفیم هیچ یک از ما نمی توانیم در یک شرح کوتاه کل تاریخ پر افتخار و نقش آن رهبر کمونیست معاصر را بطور کامل ترسیم کنیم و به آن بپردازیم. همانطوریکه علی نیز گفت اگر یک سر سوزنی از آزادی در ایران وجود میداشت در ابعاد صدها هزار نفره و میلیونی در جاهای مختلف گرد هم می آمدند و آثار منصور حکمت را به عنوان آموزه های سیاسی و مبارزه طبقاتی خودشان مرور کرده و در موردش به بحث و گفتگو می نشستند و خواهند نشست.

منصور حکمت از سال ۵۷

شما را باز می گردانم به منصور حکمت سالهای ۵۷ و تلاش می کنم از آنجا تا این مقطع، و تا مقطعی که منصور حکمت در قید حیات بود، به نقش و جایگاه او مرور کوتاهی داشته باشم و به نقش و اثرات ایشان در مقاطع مختلف اشاره کنم.

منصور حکمت قبل از تشکیل سپهبد، اتحاد مبارزان کمونیست، و قبل از قیام بهمن ۵۷ در آذر ماه ۱۳۵۷، محفل مارکسیستی آزادی کارگر را تشکیل داده بود. در آن زمان با اولین آثار برجسته کمونیستی منصور حکمت که تحت عنوان انقلاب ایران و نقش پرولتاریا است آشنا میشویم. از آن اثر تا زمانی که در قید حیات بود، یعنی در یک پروسه ۲۵ ساله، منصور حکمت یک مدت و یک بینش و سیاست، و آرمانی به هم پیوسته را دارد دنبال می کند. سعی می کنم در بحث امروز نتیجه گیری این به هم پیوستگی را نشان بدهم. در همان زمان و بعد از آن تاریخ در سال ۱۳۵۷ "انقلاب ایران پرولتاریا" را که مینویسد. از همان شروع منصور حکمت را می بینیم که بر عکس تمام تاریخ، سنت، فرهنگ، تئوری، افق، مشغله، و ادبیات چپ آن دوره و از جمله بخش زیادی از ما (هر یک به نوعی حضور ذهن و خاطراتی از آنزمان داریم) پرچم متفاوتی را بلند می کند و کمونیسم دیگری را نمایندگی می کند.

در اولین آثار منتشر شده، منصور حکمت بر نفی کامل دیکتاتوری حاکم و سیستم بورژوازی تأکید دارد. در اولین آثارش بر نابودی "حکومت بورژوازی در ایران و پیروزی آزادی و دموکراسی" پافشاری می کند. می گوید "شرط پیروزی انقلاب و دموکراسی در ایران تأمین هژمونی پرولتاریا در این انقلاب است" و می گوید "هر گونه کوتاهی از سازماندهی کارگران، ترویج و بسیج طبقه به بهانه حفظ

ادامه ←

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش ...



منصور حکمت سرانجام زمینه را برای ایجاد حزب کمونیست ایران فراهم می‌کند. در ۱۵ آذر ۱۳۶۰ پیش نویس برنامه تشکیل حزب کمونیست ایران را فراهم می‌کند. در تاریخی که بطور خلاصه به آن اشاره کردم و در نتیجه جدلها و روشنگریهای کمونیستی در عرصه‌های متعدد منصور حکمت توجه کمونیستها و فعالین کارگری زیادی به خود جلب کرد. بخش زیادی از این احزاب چپ ایزوله می‌شوند، بخش دیگری مانند جریان توده و اکثریت رسماً به طرف جمهوری اسلامی می‌روند و یک بخش از چپ انقلابی به طرف حزب کمونیست و برنامه منصور حکمت روی می‌آورند. از جمله بخشی از سازمان فداییان، بخشی از پیکار، بخشی از رزمندگان و تقریباً کل کومه له به منصور حکمت تمایل پیدا می‌کنند و زمینه‌های تشکیل حزب کمونیست ایران را فراهم می‌کنند. این در مقطعی است که منصور حکمت در عرصه‌های متعدد دیگری نقش ایفا می‌کند و دوباره تاکید می‌کنم نکاتی که من به آنها اشاره می‌کنم بسیار گذرا و بسیار ناکافی است و همه عرصه‌ها و نقش منصور حکمت را در این فاصله زمانی را بر نمی‌گیرد.

حضور در کنگره سوم کومه

منصور حکمت در کنگره سوم کومه حضور پیدا می‌کند. در کنگره ای که سه شخصیت برای سه هدف معین دعوت شده‌اند. منصور حکمت به عنوان کمونیست برجسته ایران، شیخ عزالدین حسینی به عنوان آخوند کردستانی و جلال طالبانی به عنوان رهبر ناسیونالیسم کرد در کردستان عراق در کنگره سوم کومه له حضور پیدا می‌کنند. در آن جاست که منصور حکمت جوان بلند می‌شود و خطاب به کومه له می‌گوید ما سه نفر آمدیم که این کنگره و خط آن را به مسیرهای متفاوت ببریم. جلال طالبانی به طرف ناسیونالیسم کرد، شیخ عزالدین حسینی نیز در همین بطن اهداف خودش را دارد و اینکه کمونیسم ایران می‌خواهد کومه له را مال خودش بکند. و می‌بینیم سرانجام، کمونیسم ایران، کمونیسم منصور حکمت در این پروژه و در این اهداف خودش موفق میشود. سمینارهای برای تشکیل حزب کمونیست می‌گیرد. کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست را برگزار میکنند، و به مسئله ملی در کردستان پاسخ می‌دهد و جایگاه کومه له را در حزب کمونیست ایران باز تعریف میکند. بدین ترتیب می‌بینیم که منصور حکمت در طول سه یا چهار سال از یک منتقد سیاسی تئوریک کمونیست منفرد به رهبر بخش اعظم چپ و نیروهای کمونیست آن زمان تبدیل میشود و راه را برای تشکیل اولین حزب بزرگ کمونیستی آن دوره فراهم میکند.

بخشی از سرمایه داران این کشور نمایندگی میکنند، در عقیم گذاشتن مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان کشور ما مؤثر نبوده است". بحث او این است که این به اصطلاح لقب کوتاه خمیرمایه کل آن جنبش چپ در آن مقطع را تشکیل می‌دهد که هیچ ربطی به کمونیسم مارکس نداشته و منصور حکمت به جنگ این نوع کمونیسم در چپ ایران می‌رود و می‌گوید: "در ورا این دو کلمه یعنی ملی و مترقی درک ما از یکی از ویژگیهای مناسبات تولیدی در ایران، پایه‌های مادی انقلاب حاضر، مرزبندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، محفلهای سیاسی و اقتصادی، انقلاب را به شیوه‌های مبارزاتی لازم برای تحقق خواسته‌های انقلابی کارگران، زحمتکشان و غیره نهفته است. یعنی تحت این دو کلمه ملی و مترقی کل آن جنبش کمونیستی، مبارزات سیاسی، اتحاد طبقه کارگر بر علیه بورژوازی و خود آگاهی طبقه را به انحراف می‌برند و بردند". در همین جدل به نقد رزمندگان و راه کارگر می‌پردازد و دیدگاههای پوپولیستی و ضد مارکسیستی وقت را که به اسم "مردم و میهن ما" حرف می‌زدند، می‌پردازد.

مبارزه با پوپولیسم

با منصور حکمت به سالهای ۱۹۸۰ می‌رویم، سال مبارزه با پوپولیسم و سوسیالیسم خلقی حاکم بر جنبش کمونیستی وقت. مبارزه با سوسیالیسم خلقی که کل چپ آن وقت را در بر می‌گیرد. رزمندگان، راه کارگر، فدائیان، پیکار، کومه له و ...، منصور حکمت در اشکال مختلف، از جمله در جزوه ای که به آن اشاره کردم به نقد مبانی فکری آنها که اساساً ملی‌گرا و طرفدار "سرمایه داری غیروابسته" بود و کارگران را تحت لوای "کارگران میهن ما" فریب می‌دادند، مبارزه میکند. در آبان ماه سال ۱۳۵۹ جزوه "سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی" را می‌نویسد و در آن جدل دیگری را علیه چپ آن وقت شروع می‌کند.

نه تنها در موارد ذکر شده، همچنین در مورد مسائل متعدد دیگری که پیش می‌آید منصور حکمت در رابطه با آنها موضعگیری کمونیستی می‌کند. از جمله مسئله جنگ ایران و عراق که پیش می‌آید، تنها موضع و سند کمونیستی که در آن تاریخ کمونیسم و کارگر را نمایندگی کرد و در اسناد امروز باقی مانده به منصور حکمت تعلق دارد. او بر علیه دو طرف این جنگ به مقابله برخاست و صریحاً گفت "این جنگ، جنگ بورژوازیست و این جنگ بر علیه تمام کارگرها و زحمت کشان در ایران است". تنها ادبیاتی که هر کسی آن را دنبال می‌کرده است از یکسو با منصور حکمت و از سوی دیگر با نیروهای روبرو خواهد شد که با طرف جمهوری اسلامی را گرفتند یا طرف صدام حسین را. نیروهای ضد کمونیست که از زاویه میهن و حمله به میهن وارد این قضایا شدند و در کنار رژیم ایستادند.

ادامه ←

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش ...



تشکیل حزب کمونیست ایران

جدل و تلاش در عرصه های مختلف

عرصه های متعدد دیگری را می بینیم که منصور حکمت مواضع کمونیستی در قبال آنها را نمایندگی و تدوین میکند و بر علیه آنها موضع میگیرد. در نوشته «مجاهد در فاز معامله شورای ملی مقاومت و معضل قیام» را سازمان مجاهدین را مورد نقد قرار می دهد. و در حزب کمونیست ایران به سیاست گذارهای بسیار مشخص تر شروع می کند. سیاست سازماندهی را طرح می کند و نقشه و فعالیتهای دیگری را پیش روی کمونیستها قرار می دهد و جریاناتی که مانع انجام این فعالیتهای هستند را به طور روشن مورد نقد قرار می دهد. کومه له و جنگ دمکرات علیه کومه له را ارزیابی می کند و ارزیابیهای نادرست کومه له در مورد موقعیت و هدف از جنگ و تداوم سیاست جنگ طلبی حزب دمکرات کردستان ایران را مورد نقد قرار می دهد. هم ارزیابی او از آن تحولات و هم سیاست اعلام آتش بس یکجانبه کومه له که نویسنده و پیشنهاد دهنده اش منصور حکمت بود و مورد قبول رهبری آنوقت آن سازمان قرار میگیرد. دهها موارد مشابه از نقش مثبت و برجسته حکمت پرورده ای است که در حزب کمونیست ایران در آندوره دنبال می شود.

طرح مباحث کمونیسم کارگری

کنگره دوم حزب کمونیست ایران پیش می آید و در این کنگره برای اولین بار منصور حکمت بحث های جدیدی را نه در ادامه مارکسیسم انقلابی و در ادامه پیشرفتهایی که در آن مقطع داشته، بلکه دیدگاهی جدیدتر، یک دیدگاه کارگری-مارکسیستی به میان می کشد. (بحث کمونیسم کارگری) را طرح میکند و در همان جا و در همان کنگره در مصاحبه ای منظور از کمونیسم کارگری را نقطه رجوع به مارکس و رابطه ناگسستنی کمونیسم مارکس با پایه های اجتماعی و طبقاتی طبقه کارگر توضیح می دهد و بر خصلت کارگری بودن کمونیستها تاکید می کند.

تأثیرات حکمت بر چپ عراق

همینجا یاد آور می شوم منصور حکمت فقط در جغرافیای ایران باقی نمی ماند. در همان تاریخ و در مقطع تشکیل حزب کمونیست به بعد منصور حکمت و افکارش وارد عراق می شود و در عراق و در دوره دیکتاتوری صدام حسین دهها محافل و گروه مختلف را می بینیم که همه می روند زبان فارسی یاد می گیرند تا منصور حکمت را بخوانند. محافل و گروههای مختلف کمونیست کارگری را در عراق و به ویژه در کردستان عراق شکل می گیرد. و بخش قابل توجهی از آنها داخل زندانهای صدام حسین بودند. به ویژه در کردستان عراق به حکم استقرار ما در آن منطقه و رابطه مستقیم تر با جامعه آثار و خط حکمت قابل دسترس تر و جایگاه خاصی پیدا می کند.

سال ۶۲ حزب کمونیست ایران را به اتفاق چند نفر از رهبران وقت سازمانهای محلق شده به پروسه تشکیل حزب، تشکیل میدهد. این حزب در وقتی ایجاد می شود که جمهوری اسلامی کشتار وسیعی در خرداد سال ۶۰ آغاز کرده بود. و بخش زیادی از اپوزیسیون و از جمله کمونیستهای آن دوره را قتل عام کرده بود. در مقطعی بود که خیلیها امیدشان را از دست داده بودند. تشکیل حزب کمونیست ایران، تلاشی بود برای ایجاد یک سنگر، سنگری برای دفاع دستاوردها قیام ۵۷ و گردآوری نیرو برای مقابله با جمهوری اسلامی و دفاع از کمونیسم در سراسر ایران و منطقه.

اگر تا آن تاریخ در ادبیات چپ ایران ما تنها مقولاتی مانند مسئله خلقی، مسئله ملی، میهن و از این چیزها می دیدیم که به اسم مارکس و کمونیست و کارگر دروغ به خورد جامعه داده می شد، به همت حکمت و با تشکیل حزب کمونیست ایران انزمان، با خود آگاهی کمونیستی و ادبیات کارگری و مارکسیستی دیگری در جامعه روبرو می شویم. پروسه ای که منصور حکمت آن را طی کرد منجر به جنبش و سازمان متشکل کمونیستی آن دوره شد که در مارکسیسم انقلابی نمایندگی می شد و تصویر دیگری ماورای «کمونیسم» موجود بدست می دهد. در همان تاریخ و در همان دوره ای که گفتم منصور حکمت این سنگرها را فتح می کند بخشی از آن چپ رفته بودند بغل جمهوری اسلامی در فضای جنگ و برخی از آنها هم تحت لوای همان فضای دوران اوایل قیام مانده بودند و با «خلق» خود مشغول مبارزه بی حاصل بودند.

کارگران «افغانی»

حتماً تعدادی از شما کارگران «افغانی» مقیم ایران در آن دوره و اطلاعیه فاشیستی و ضد کارگری سازمان راه کارگر را در بهمن سال ۶۲ به یاد دارید. این سازمان در آن اطلاعیه می گوید «3 میلیون کارگر افغانی وارد میهن شده اند و باعث بیکاری کارگران ایران شده اند». حتی در بخشی از اطلاعیه از کارگران «افغانی» به عنوان «لات و چاقو کش» نام می برند! این پدیده و موضع ارتجاعی از طرف یک جریان «چپ» و آنهم از نوع «کارگری» آن از آنجا که هویت ملی کل آن چپ را به نمایش می گذاشت به یک جنگ جدی دیگر تبدیل شد. درست است که راه کارگر این را می گوید در آن تاریخ، منتها در واقع این مضمون چپ آن وقت بود و بازماندگانی که هنوز به حزب کمونیست در آندوره نه پیوسته بودند. منصور حکمت در نوشته «راه کارگر، فاشیسم یا کابوس» به روشنترین شکل آنها را مورد نقد قرار می دهد و با روشنی و مستقل از اینکه کارگران «افغانی» یا «ایرانی» هستند به عنوان یک طبقه از آنها حمایت می کند و کارگران را به اتحاد و همبستگی بر علیه جمهوری اسلامی و دفاع از کارگران «افغانی» مقیم ایران فراخوان می دهد.

چند خبر و گزارش کارگری در هفته ای که گذشت

تهیه و تنظیم: عزیز آجیکند



در برابر این فشارها، کارگران احضار شده گروه ملی صنعتی فولاد اهواز اعلام کرده اند، از آنجا که این احضارها از طریق تماس تلفنی انجام گرفته است و کتبی نبوده است از حضور در محل احضار تا زمان دریافت احضاریه کتبی خودداری خواهند کرد. اعتراضات پی در پی کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراضات خود در اسفند سال گذشته و مارش عظیم آنها در شهر اهواز و به تحرک درآوردن این شهر، یک نقطه عطف مهم در جنبش کارگری ایران بود.

در چنین شرایطی است که حکم احضار ۵ کارگر معترض گروه ملی فولاد اهواز صادر شده است و این خود یکی دیگر از مصادیق بارز امنیتی کردن مبارزات کارگران و مردم معترض است.

به حالت تعلیق در آمدن اسکله های بندر انزلی بعد از اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون داران

همزمان با آغاز اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون داران اسکله های بندر انزلی به حالت تعلیق و نیمه تعلیق درآمده اند و دچار مشکل شده اند. بارگیریها به حالت تعلیق و نیمه تعلیق هستند. اسکله ها در ساعات کاری خلوت میشوند و از رساندن بار خبری نیست و هیچ کامیونی در مسیر اسکله ها دیده نمیشود و کشتی ها یا در توقف هستند و یا بدون بار سفر میکنند.

ادامه اعتصاب رانندگان کامیون

روز جمعه ۱۸ خرداد ماه، اعتصاب رانندگان کامیون و کامیون داران در شهرهای مختلف از جمله کرج، انزلی، نیک شهر، پیرانشهر و ارومیه همچنان ادامه داشت.

برپایه گزارشات منتشره، طی روزهای گذشته رانندگان تانکرهای شرکت پخش فراورده های نفتی نیز با پهن کردن سفره خالی به این اعتصاب پیوسته اند و در نتیجه، کمبود بنزین، صف های طولانی در برخی از جایگاه های سوخت شهرهای مختلف ایجاد شده است. اعتصاب سراسری کامیون داران از روز یک خرداد در اعتراض به افزایش قیمت لوازم یدکی، لاستیک، حق بیمه رانندگان در سال های اخیر و پایین بودن نرخ کرایه شده و تاکنون نیز علیرغم وعده های مقامات در خصوص رسیدگی به مشکلات رانندگان همچنان ادامه دارد.

تجمع اعتراضی کارگران گروه ملی فولاد اهواز



هفته ای را که پشت سر گذاشتیم همچون هفته های قبل توام بود با اعتراضات و اعتصابات کارگری و توده های زحمتکش و معترض در گوشه و کنار ایران. در این قسمت سعی بر آن داریم که نگاهی بیاندازیم به چند گزارش و اخبار کارگری که در روزهای گذشته در جریان بوده اند.

تبریز، دستگیری امیر چمنی

اولین خبر کارگری را با دستگیری امیر چمنی فعال کارگری در تبریز از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی آغاز میکنیم. متأسفانه روز پنجم خرداد امیر چمنی فعال کارگری ساکن تبریز توسط مامورین وزارت اطلاعات بازداشت میشود و به مکان نامعلومی انتقال داده میشود. قبل از این تاریخ نیز این فعال کارگری در خانه شخصی خود مورد هجوم نیروهای لباس شخصی قرار میگیرد و به مدت دو هفته در بازداشتگاه به سر میبرد بعداً برای اجرای حکم ۹ ماه حبس تعزیری به زندان مرکزی تبریز منتقل میشود. این فعال کارگری در تمام مدت بازداشت شدنش مورد بازجویی های فشرده اداره اطلاعات تبریز قرار میگیرد. این فعال کارگری پیشتر نیز در زندان و بعد از بازجویی های فشرده وزارت اطلاعات رژیم با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد و متعاقب آن در ۱۵ تیر ماه از سوی شعبه یک دادگاه انقلاب تبریز به ریاست قاضی حملبر، به اتهام "توهین به رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی" به ۶ ماه حبس و به اتهام "فعالیت تبلیغی علیه نظام به تحمل سه ماه و یک روز حبس و همچنین از سوی شعبه ۴ ۱۰۴ دادگاه کیفری به اتهام توهین به رئیس جمهور به ۴۰ ضربه شلاق محکوم شده بود. که حکم وحشیانه وی در ۱۵ خرداد سال ۹۲ به اجرا در آمده بود.

تجمع کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه

روز دوشنبه ۱۴ خرداد ماه، شماری از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به بخشنامه کارفرما برای تعطیلی سه روزه این واحد، برای دومین روز متوالی در مقابل ساختمان مدیریت شرکت تجمع کرده بودند.

دلیل اصلی ناراضی این دسته از کارگران، به صدور بخشنامه مربوط به تعطیلی سه روزه است که در آن کارگران امکان اضافه کاری ندارند. کارگران این شرکت در این باره گفته بودند: این بخشنامه به تازگی از سوی کارفرما به واحدهای زیرمجموعه این مجتمع ابلاغ شده و مدیریت این واحد صنعتی هیچ پاسخ روشنی به آنها نداده است. به گفته معترضان، کارفرما برای کاهش هزینه های جاری مجتمع، این بخشنامه را صادر کرده است تا میزان دستمزد کارگران را به حداقل برساند.

احضار کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز

بدنبال دور تازه اعتصاب کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز که از هشتم خرداد ماه آغاز شده است، ۵ نفر از فعالین کارگری در این کارخانه به اسامی مصطفی عیبات، امین علوانی، کریم صیاحی، حسن حمودی و طارق خلفی را احضار کرده است. در ادامه این احضارها صبح روز ۱۶ خرداد ماه پیمان شجراتی و میثم قنواتی نیز احضار شدند. میثم قنواتی از جمله کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز است که در اعتصاب اسفند سال گذشته این کارگران نیز بازداشت شده بود.

زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر جمهوری اسلامی!

این به اختلافات کمونیسم کارگری با کمونیسم ملی و ناسیونالیسم کرد در آن حزب ابعاد دیگری میدهد و سر انجام منجر به جدایی منصور حکمت و قریب به نود درصد کادر و اعضای کومه و حزب کمونیست از آن سازمان میشود.

ناسیونالیسمی که در حزب کمونیست و کومه له بود در سایه تعرض جهانی به کمونیسم و اتفاقات جنگ خلیج موقعیت اجتماعی دیگری پیدا کرد و در صدد باج گیری از کمونیسم مسلط بر حزب کمونیست و کومه بر آمد. در آن جا بود که رهبری کومه له، عبدالله مهتدی، با حمایت رهبران همه شاخه های کنونی "کومه له"، از منصور حکمت و دفتر سیاسی می خواهد این حزب یعنی حزب کمونیست ایران رسماً از جلال طالبانی و جنبش ناسیونالیسم کرد حمایت کند. اسنادش موجود است، و بعد از کشمکش های چند ماهه شاید یکسال و اندی کمونیسم کارگری و منصور حکمت که فراکسیون کمونیسم کارگری را قبل از آن تشکیل داده بودند اعلام می کند که حزب دیگری را برای آرمانهای کمونیستی و برای سازماندهی کمونیستی تشکیل می دهد. در نتیجه بیش از ۹۰ درصد از نیروهای حزب کمونیست و از جمله کادرها و رهبری کومه له که ما هم بخشی از آن بودیم با کمونیسم کارگری و با منصور حکمت آن حزب را ترک کردیم. یک جدایی که در نهایت احساس مسئولیت از جانب ما صورت گرفت. باقی ماندگان در آن سازمان نه تنها قدر این جدایی را ندانستند بلکه فرهنگ دروغ و لمپنی را علیه ما و شخص حکمت در پیش گرفتند. جدایی در یک سازمان بزرگ و مسلح که یک نفر هم حتی کوچکترین اتفاقی برایش پیش نیامد و جدایی متمدانه ی صورت گرفت. همانطوری که منصور حکمت گفت با قلمش و با نوشته هاش از آن سازمان بیرون آمد و بقیه کادرها و رهبران کمونیستهای یک جنبش انقلابی و توده ای و چپ هم به همین شکل و فردی تصمیم سیاسی خود را گرفتند.

تشکیل حزب کمونیست کارگری

در ۳۰ نوامبر ۱۹۹۱ میلادی حزب کمونیست کارگری توسط منصور حکمت و با همراهی و امضای سه نفر دیگر اعلام موجودیت میکند. اعلام موجودیت یک حزب جدید تنها بدلیل جدایی از حزب کمونیست ایران و در بعد سازمانی نبود. همانطوری که خودش توضیح می دهد اساساً به موقعیت کل کمونیسم در دنیا و ضرورت یک سنگر بندی کمونیستی در مقابل با تعرض بورژوازی به کمونیسم مربوط بود. حمله بورژوازی که آن موقع بخشاً در جنگ خلیج و طلوع خونین بوش تداعی می شد، حزب کمونیستی که منصور حکمت در رأسش بود (حزب کمونیست و کومه له) را تحت تأثیر خود قرار داد.

تشکیل حزب کمونیست کارگری عراق، قدمی دیگر در مقابله با تعرض به کمونیسم

در سال ۹۲ میلادی و بعد از تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران، منصور حکمت در تلاش برای تشکیل یک حزب دیگر در عراق بر آمد. همان دوره گفت "کمونیسم کارگری در عراق به یک حزب واحد نیاز دارد".

ادامه ←

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش ...



نقش منصور حکمت در کومه بیشتر میشود

منصور حکمت به جنگ سنتهای جاری در کومه به ویژه سنت ناسیونالیستی درون کومه میروود و تلاش میکند کومه را تماماً به یک سازمان کارگری و کمونیستی تبدیل کند و در این راه اکثریت کومه را با خود همراه میکند. بخش زیادی از سیاستهای کومه له را مورد نقد قرار میدهد و در کنگره های چهار و پنج و به ویژه در کنگره شش کومه له کمونیسم کارگری به تمامی بر عرصه های اصلی فعالیت کومه له غالب می شود و این مدیون تلاش و سیاستهای منصور حکمت بود.

سنگر بندی در مقابل تعرض بورژوازی جهانی

با طرح بحثهای کمونیسم کارگری منصور حکمت وارد بحث های خودش در عرصه جهانی می شود و کمونیسم کارگری را در آن ابعاد مطرح می کند. نقد سوسیالیستی تجربه انقلاب کارگری در شوروی، بحث آزادی، برابری، حکومت کارگری. که تفسیر بسیار شیوا و کمونیستی است توسط او تدوین شده است. نقد گورباچفیسیم، سند کنگر سوم حزب کمونیست مبنی بر موقعیت کمونیسم و جهان امروز و دهها سند دیگر در راستای تقابل به آن تعرض تدوین و به امید و سیاست ناظر بر فعالیت هزارها کمونیست تبدیل میشود.

تدقیق افق و پرچم کمونیستی در عرصه سیاست ایران

قرارهای متعددی در رابطه با بحث های سیاسی و سازماندهی ما در میان کارگران، مجمع عمومی، شورا، دولت در دوره های انقلابی، بحث کارگران کمونیست چه می گویند و اینکه بالاخره منصور حکمت بحث کارگران و انقلاب را مطرح می کند که هر انقلابی، انقلاب ما نیست. کارگران انقلاب خاص خودشان را دارند.

زمینه های شروع تقابل علنی ناسیونالیسم کرد و چپ ملی با منصور حکمت و کمونیسم کارگری

بعد از پروسه ی فعالیتها در حزب کمونیست ایران و به دلیل بحران سراسری که با فرو ریختن دیوار برلین پیش آمد و اسم آن را "شکست کمونیسم" گذاشتند، در سطح دنیا بازار آزاد و دموکراتیسم عربده کشید و خیلیها از کمونیست بودن خود عقب نشینی کردند، اسم سازمان خود را عوض کردند و سازمانهایشان را تغییر دادند. منتها در دل همه این تاریکی و این لحظات ما نوری می بینیم، یک کمونیستی می بینیم و یک تلاش را می بینیم. پرچمی که منصور حکمت آن را بر افراشته می کند. این تحولات جهانی و جنگ خلیج بر درون حزب کمونیست و کومه عمیقاً تأثیر می گذارد. بویژه با قدرت گیری احزاب بورژوا ناسیونالیست کرد در کردستان عراق به جریان ناسیونالیسم کرد در کومه و چپ ملی گرا نیرو می بخشد.

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش ...

اوضاع سیاسی ایران و رویدادهای مهم

مبحث حکمت درباره اوضاع سیاسی جمهوری اسلامی متکی به همان شناخت عمیق از سرمایه داری و به همان متد مارکسیستی در برخورد به کل روندهای سیاسی و روبنای است. مباحث او در مورد دوم خرداد و بحران رژیم و راحها و شروط سرنگونی و غیره کماکان بحث زنده و مورد قبول و دقیق اوست. بررسی بحران و وضع اقتصادی جمهوری اسلامی نیز به همین شکل جامع و کماکان معتبر است. بحث اش در مورد مسئله حزب و جامعه و همین طور دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر و آخرین سند با ارزش ایشان "آیا کمونیزم در ایران پیروز می شود" از جمله آخرین آثار کمونیستی و راه گشای حکمت می باشد.

به دنبال تلاشهای گسترده و تاثیرات معنوی و سیاسی ایشان در عراق سرانجام آن حزب در عراق شکل می گیرد. برای اولین بار یک حزب کمونیستی و کارگری در عراق شکل می گیرد که اسم آن حزب کمونیست کارگری عراق است. برنامه "یک دنیای بهتر" که از جانب منصور حکمت تهیه شده است به عنوان برنامه و مینا تشکیل حزب کمونیست کارگری عراق از جانب صدها کمونیست مقیم عراق و کردستان عراق بدست گرفته میشود.

پایان یک دوره

در سالهای تشکیل حزب کمونیست کارگری همه شاهدند، دوست و دشمن، موافق و مخالف، که نه تنها بزرگترین حزب کمونیستی که به واقع بزرگترین اپوزیسیون متشکل را منصور حکمت سازمان می دهد. با وجود حزب کمونیست کارگری ایران در داخل و در خارج، در عراق و در کل منطقه عملاً سنگر بندی کمونیستی در تقابل با افسارگسیختگی بورژوازی و اینکه شکست سرمایه داری دولتی را شکست کمونیسم خوانند از جانب منصور حکمت ایجاد گردید و در همین رابطه "در پایان یک دوره" را نوشت.

به این ترتیب ما منصور حکمت را قبل از شروع قیام تا مقطعی که در قید حیات است می بینیم که چه نقشی در سطح جنبش کمونیستی و جامعه ایفا کرده است. شکی نیست که هر کدام از ما کمونیستهای آن جامعه نقشی را ایفا کرده ایم، تاثیراتی گذاشته ایم، منتها تاثیرات و نقش گذاری در این سطح ماکرو در پاسخ به معضلات و مسائل پایه ای جنبش کمونیستی و کارگری و اینکه صفی از سازمانها را این ور و آن ور کند چندین سازمان بیاورد و چندین حزب را سازمان و تشکیل بدهد و سنگر انقلابی و امید به سوسیالیسم به وجود بیاورد تنها در قدرت ایشان و متعلق به دستاوردهای کمونیستی حکمت در آن دوره تاریخی غیر قابل تحریف میتواند باشد. صدها و هزاران کادر کمونیست را در یک حزب رهبری و سازماندهی و متحد کرد، اینها فقط ویژگی و فعالیت دوران خاص منصور حکمت هستند.

جمعبندی، متد متداول و حلقه های کلیدی کمونیسم حکمت

از سال ۵۷ تا زمان مرگ منصور حکمت ما کل نظرات منصور حکمت را به هم پیوسته می توانیم ببینیم و نشان بدهیم هیچ بخشی از دید گاهایش نه تنها متناقض نیستند بلکه پله به پله در امتداد هم پیشرفت کرده و آمده جلوتر و به ویژه در مقطع بحثهای کمونیسم کارگری در یک موقعیت جدید و اما جامعتر و دقیقتری نسبت به رابطه کمونیسم و پایه های اجتماعی آن، ابزارهای موثرتر مقابله با کاپیتالیسم، کسب قدرت سیاسی و سرنگونی جمهوری اسلامی قرار می گیرد.

بدین ترتیب عبور از تاریکیهای آندوره و پاسخ به مسائل گرهی جنبش کمونیستی و کارگری محور تلاش او است. از جمله برنامه یک دنیای بهتر را می نویسد که هر انسانی بتواند فقط یک ساعت از وقت خودش را روی خواندن آن صرف کند متوجه می شود که همان برنامه یی است که مانیفیست کمونیست دوران خودش مارکس و انگلس نوشتند همان تفسیر و مرزبندی با جنبش ها و نگرشهایی هستند که مارکس در دوران خودش به عنوان مرزبندی با سوسیالیستهای فئودالی و بورژوازی و خرده بورژوازی کرد. در ابعاد جهانی به ویژه در سطح جغرافیایی ایران و عراق و منطقه می فهمیم برنامه اش چی هست، تعریف از کمونیست چیست، رابطه انقلاب و اصلاحات چیست، و پاسخ به حل مشکلات ملی در آن منطقه، و قوانین کار و وو، باید چی باشد. همه جزئیات یک الترناتیو کمونیستی- کارگری را در برنامه می نویسد.

بعد از شکست انقلاب اکثریت منصور حکمت تنها کمونیستی است که در یک ابعاد سراسری و با صدها سند و مقاله تئوریک و سیاسی و در عمل از آن تاریخ زنده دفاع می کند و راه نشان میدهد. مارکسیسم را حداقل در مقیاس ایران و بخشا عراق از زیر آوار جنبشهای دیگر بیرون می آورد. تلاش کرد و نشان داد که بعد از آن تاریخ ممکن است یک تاریخ دیگری را شکل داد و کمونیسم و کارگر را به پیروزی رساند. تنها رهبری بود که کمونیسم مارکس و پراکتیک انقلابی لنین را معرفی و نمایندگی کرد. تلاش ۲۵ ساله منصور حکمت به این راه خدمت کرده است.

واقعیت این است که اگر هر کسی با وقت آنها را بخواند همان ارزش و جایگاه کاپیتال و اسناد مارکس را برای جنبش کارگری و کمونیستی دارد. شما اگر بروید بحث "دموکراسی انتخابی" را بخوانید، "بحث ملت و ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری" را بخوانید به چه شکل علمی افکار استالین، که اساساً تئوریزه کننده مقوله حق تعیین سرنوشت و ملی گرایی هستند، دارد نقد می کند و نشان می دهد که ملت محصول جامعه سرمایه داری موجود و محصول ناسیونالیسم و جنبش های ناسیونالیستی است. این آثار در کنار "پایان یک دوره" و اقدام عملی برای ایجاد دو حزب کمونیستی آن دوره از تاریخ در عراق و ایران از جمله پاسخی است به تعرضی که به کمونیسم در سطح جهانی شد.

← ادامه

زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش ...

سازمان بزرگ و متحزب کمونیستی ایجاد کنی و تناسب قوا را به نفع کارگر و کمونیزم عوض کرد. در نتیجه این تحزب و متشکل شدن کارگر و کمونیزم و صف آزادیخواهی باید چشم "طمع" به کسب قدرت داشت. و خیلی هم به حق است کمونیستها باید طمع قدرت سیاسی را داشته باشند. این حق و اعتماد بنفس و استراتژی را که بورژوازی و چپ سنتی از ما گرفته باید به کمونیستها و کارگران بازگردانیم. تا کی باید در انتظار این بود که فلان آخوند و بورژوا تغییر پیدا کند، تا کی مثلاً در انتظار ماند که حق من کارگر از طریق فلان اتحادیه و صنف گرفته شود؟ چرا محصولات این جوری شده؟ چرا کارخانجات کوچک به یک کارخانه بزرگ تبدیل نشده است؟ همه اینها مارکس اسمشان را گذاشت مفسران و روشنفکران کاپیتالیست. اینها که در تاریخ ایران اساساً "چپ" هم بوده اند به بورژوازی خدمت کرده و می کنند. مارکسیسم کارش این نیست.

خود آگاهی طبقاتی و کمونیستی در دیدگاه منصور حکمت و خط کمونیسم کارگری حکمت فوق العاده مهم است. کمونیستها و کارگرها باید آگاه و روشن به منافع سر راست طبقاتی خود باشند. که هر سبلی که می آید آنها را نبرد، هر جنبشی که آمد آنها را به بازی نگیرد. باید آگاه و روشن باشند و روی پای خودشان و روی منافع طبقاتی خودشان بایستند و هیچ اتفاقات و قدرتهای دیگر نتواند آنها را، افکار آنها را، جنبش آنها را این ور و آن ور بکند و این یکی دیگر از ویژگیهای منصور حکمت است که خیلی تلاش کرد این خود آگاهی را به یک امر بدیهی جنبش ما تبدیل کند. به اعتقاد من در این امر به درجه زیادی موفق شد. هر چند بعد از مرگ خودش متأسفانه خیلی ها به اسم او این چرخ را به عقب بر گرداندند. روشن بینی و حضور خود ما گویای این موفقیت برای حکمت است ولی متأسفانه عمرش کفایت نکرد تا این مهم را به مقصد نهایی برساند نگاه ما به مسائل و پدیده های مبارزاتی، محصول همین خود آگاهی و خط روشن کمونیستی است.

منصور حکمت و راهش و خطش زنده باقی خواهد ماند! مارکس بیش از یک قرن است در قید حیات نیست. اما هر کسی که سر سوزنی اعتقاد به آزادی و به رهایی انسان داشته باشد نمی تواند بگوید مارکس نیست، برای منصور حکمت بنظر من در این دوره این واقعیت حکم می کند. از دست دادنش یک ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر است! منتها وجود این خود آگاهی کمونیستی در صفوف جنبش ما، گنجینه بزرگ حکمت و اهداف و خط و نگرش که وجود دارد و خواندن آثار منصور حکمت به ما کمک می کند که همیشه او را در کنار و همراه خود حس کنیم.

بهترین گرامی داشت از حکمت، درست همانند مارکس و لنین، خواندن او و بدست گرفتن آثار و اسناد و راه او میباشد. حکمت را باید بشناسیم و بشناسانیم. من شخصاً فکر میکنم بدون حکمت و بدست گرفتن راه و سیاستها و مبانی فکری او پیروزی کمونیسم و کارگر در ایران ممکن نخواهد شد! متأسفانه آنچه که امروز به اسم "کمونیسم کارگری" بعد از خودش عمل میشود کار کمونیسم کارگری حکمت را در ایران بسیار دشوارتر کرده است. اما با این وجود، تردیدی در این ندارم که در فردای آزادی و در صورتیکه ما بتوانیم طبقه کارگر و حزب و سوسیالیسم مان را به قدرت برسانیم در ایران، منصور حکمت نیز همانند موقعیتی که مارکس و لنین پیدا کرده اند، در تاریخ جنبش کمونیستی و کارگری در ابعاد جهانی ثبت خواهد گردید و بدست گرفته خواهد شد.

ادامه ←

کمونیسم را از زیر آوار همه آن خرافاتی که من فقط به بخش کوچکی از آن اشاره کردم بیرون بیاورد و کمونیسم را به طور ابژکتیو از مقولات تئوری خشک و تجریدی و مختص به روشنفکران رها ساخت و به عنوان یک پدیده اجتماعی زنده و مربوط به طبقه کارگر و قابل عملی و اینکه میشود همین امروز به نتیجه رساند تفسیر می کند و فراخوان پیوستن به آن می دهد و در مقابل جامعه قرار می دهد. در بحثهای و دیدگاه منصور حکمت از بحثهای تئوریکش گرفته تا یک بحث ساده سیاسی درون سازمانی و یا یک سند، انسان در محور سیاست و بحثهایش قرار دارد و این یکی ویژگیهای مهم کمونیسم منصور حکمت است. در کل پروسه ای که ما طی می کنیم منصور حکمت به عنوان یک مارکسیسم منتقد جدی کاپیتالیسم و جنبشهای راست، ملی، مذهبی رادر هر پوششی و کلیه وجوه آنرا رد میکند. منتقد روشن پوپولیسم، سیاست همه با هم، و چپ دنباله رو حوادث و "توده" ها بوده است. او طرفدار فوری الغای کار مزدی و مالکیت خصوصی است. پدیده انقلاب و سرنگونی را برای کسب پیروزی برای کارگر و سوسیالیسم میخواست نه هر شکلی از هیاهوی سرنگونی طلبانه و بازی با کلمه "انقلاب"، ووو، اینها سیاستهای شاخص کمونیسم حکمت است.

به نظر من منصور حکمت را باید با اینها شناخت و تعریف کرد. چرا کار مزدی و تا کی بشر این سیستم حقارت و نابرابر را تحمل کند؟ شب و روز باید رفت کار مزدی کرد و این جامعه را هم قبول داشت! جامعه "مدرن دموکراسی" و متکی به استثمار و کار مزدی که در همین سوئد و اروپا ضد انسانی ترین شکل ستم از جمله ستم کار مزدی در جامعه اعمال میگردد چه رسد به جاهائی دیگر. جامعه ای که کار مزدی بر آن حاکم است جامعه ی آزاد نیست. و این بنیادهای سرمایه داری را منصور حکمت به نقد کشیده است. اینکه می گوید تفاوت بین کمونیسم کارگری با "کمونیسم" های نوع دیگر هست قبل از هر چیز از اینجا ناشی میشود. در این است که ما نقد هر شکلی از سرمایه داری و احزاب آنرا در رأس و اولویت کار خود داریم. بقیه چنین نیستند. به همین دلیل ساده کمونیست نیستند. بشریت زمانی میتواند آزاد باشد که کار مزدی ور بیفتد و بشر از زیر ستم و موقعیت فرودست و نابرابر رها گردد. و بالاخره ویژگی دیگر منصور حکمت که در تمام بحث هایش هست و برایش تلاش کرد این است که کمونیسم و طبقه کارگر بدون تحزب به هیچ جایی نمی رسد. و تحزب برای حکمت به درست یعنی قدرت طبقه و جنبش طبقاتی ما، یعنی خیزش برداشتن برای سرنگونی نظام حاکم و کسب قدرت سیاسی.

خیلی از کمونیسمهای دیگر به دلیل اینکه با اصلاحات و جنبش های دیگر بورژوازی کم و بیش در یک قطار قرار دارند نیازی به سازمان و تحزب مستقل و کمونیستی ندارند. آن تاریخی هم که در دوره سال ۵۷ بدان اشاره کردم این طور نبوده است. سازمان فدائیان خلق نمونه برجسته آن بود. بزرگترین نیروی چپ آن دوره بود. صد هزار انسان در تهران برای فراخوان آنها جمع می شدند منتها کارشان چی بود؟ این بود که تخم مرغ رنگ می کردند روی آنها می نوشتند زنده باد پرولتاریا. در حالیکه اگر حزب کمونیستی از نوع ما آن قدرت را در آن دوره می داشت قدرت را می گرفتیم. داشتن چند هزار کادر کمونیست و نفوذ قابل توجه در میان طبقه ات در ایران

نقش و جایگاه منصور حکمت در جنبش ...

تلاش امروز ما و ارزش گذاری ما برای منصور حکمت قبل از هر چیز در گرو خواندن حکمت، شناساندن و در دسترس قرار دادن آثارش در جامعه و در میان کارگران است، در گرو تلاش جدی در پراکتیک کردن سیاستها و آرمانهایش، همانگونه که خود او مورد نظرش بود و نوشته و گفته است. کمونیسم حکمت مانند خود مارکس و لنین یک کمونیسم انقلابی، پراکتیکی و مربوط به نقد عمیق همه وجود نظام طبقاتی، مربوط به نبرد قهر آمیز با بورژوازی و اینجا همچنین در نبرد برای نابودی کامل کلیت جمهوری اسلامی قابل شناخت است. به جای عکس گرفتن و تقدیرهای شبیه مذهبی و مخرب و ظاهری، باید برای به پیروزی رساندن اهداف و آرمانهای کمونیستی و کارگری منصور حکمت به میدان آمد. به این امید شما نیز در این امر مهم شریک شوید.

با تشکر از حضورتان در اینجا!

زنده باد منصور حکمت!
این سخنرانی در هفته حکمت در سال ۲۰۰۹ و در شهر گوتنبرگ سوئد صورت گرفته است که توسط افسانه رها پیاده شده است و اکنون برای اولین بار منتشر می شود . 31-05-2010
آخرین ادیت از طرف سخنران صورت گرفته است.
باز تکثیر: شمار ششم نشریه سوسیالیسم امروز، خرداد ۹۶
چون ۲۰۱۷
S_zijji@yahoo.se

اساس سوسیالیسم انسان است
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

از مبارزات بحق کارکنان حمل و نقل کامیونی در سراسر کشور و از ضرورت ایجاد سندیکاهای مستقل کارگران مزدی ترابری پشتیبانی کنیم .

در تاریخ سه شنبه اول خرداد ستون هایی از کامیون ها به تصمیم رانندگان زحمتکش و معترض در پایانه ها یا جاده های کمربندی و خیابانهای اطراف بسیاری از شهرهای کشور در اعتراض به پایین بودن. سطح کرایه های حمل و نقل، بالا بودن عوارض جاده ها، افزایش سهم حق بیمه رانندگان، گرانی قیمت لاستیک و لوازم بدکی، بالا بودن تعرفه کمسیون شرکت های دلال حمل و نقل دست به اعتصاب زدند. رانندگی کامیون از مشاغل سخت و پر خطر است که به دلیل کار طاقت فرسای شبانه روزی، دوری مستمر از خانواده و پایین بودن سطح مزد موجب افسردگی و مشکلات جسمی رانندگان می گردد.

اخبار اعتصاب کامیوندان به سرعت در سراسر ایران و جهان اشاعه یافت. امتناع کامیوندان از پذیرش بار و پافشاری بر ادامه اعتصاب تا رسیدن به خواست هایشان اولین تأثیر خود را بر جایگاه های فروش بنزین و گازوئیل به ویژه در شهرهایی که اعتصاب در آنها آغاز شده بود گذاشت. در همان ساعات نخستین اعتصاب صف های طولی از خودروها در مقابل پمپ بنزین ها تشکیل شده بود. این تأثیر گذاری در کنار رژه کامیون های اعتصابی که با بوق زدن های ممتد، شیپور اعتصاب را به صدا درآورده بودند، عظمت اعتراض و اتحاد رانندگان ناوگان حمل و نقل کشور را به خوبی نشان داد.

توقف کار کامیون ها که مسئولیت حمل بار را از بنادر و میادین و کارخانه های کشور و حتی خارج از کشور و جاده های ترانزیتی و بین المللی به عهده دارند، به سرعت می تواند موجب اختلال در چرخ اقتصادی و فلج گشتن سیستم توزیع کالا در کشور گردد. توده وسیع کامیوندان مانند سایر اقشار زحمتکش جامعه، همچنان که در بیانیه اعلام خواست هایشان آمده است دارای مطالباتی اند که رژیم از برآورده نمودن کامل آنها امتناع کرده است. عقب نشینی های رژیم از نظر کارکنان زحمتکش این بخش خدماتی مهم کشور، به هیچ رو کافی نیست. پایین بودن کرایه حمل بار و کم بودن سهمیه گازوئیل در کنار سایر اجحافات اعمال شده به رانندگان، قدرت پرداخت اقساط خرید کامیون ها و هزینه های سنگین استهلاک کامیون و هزینه های سرسام آور زندگی و هزینه های بیمه و راه داری را با مشکل مواجه کرده است.

مبارزه برای دست یابی به خواست های طرح شده که پایین ترین سطح مطالبات آنهاست، آغاز حرکت اعتراضی ای است که باید به درستی از سوی رانندگان. مبارز و حمایت مردم از آنان به پیش برده شود. طیف های مختلف کامیوندان که بخش مهم حمل و نقل کشور را تشکیل می دهند، در این اعتصاب با همبستگی در کنار هم قرار گرفته اند و برای پیشبرد اهدافشان بر روی چند خواست مشترک متمرکز شده اند.

رانندگان. فاقد کامیون، که فقط با گرفتن مزد ناچیز به کار بر خطر و طاقت فرسای رانندگی مشغولند در کنار سایر همکاران خود در مبارزه برای خواست های تعیین شده مشارکت دارند و به اتفاق دیگر رانندگان کامیون امر اعتصاب را در ناوگان حمل و نقل جاده ای سازمان دهی کرده به پیش می برند. اما یکی از ضعف هایی که می تواند تأثیر منفی بر روند اعتصاب و اعتراضات بعدی رانندگان برجای گذارد کم رنگ بودن. خواست های کارگران مزدی این بخش است که به عنوان مزدبگیر در قبال فروش نیروی کار خود در بخش حمل و نقل به کار اشتغال دارند. فعالان مزدبگیر اعتصاب رانندگان باید با ایجاد شکل مستقل سندیکایی خود به رفع این نقیصه اقدام کنند. طبعاً آنان باید برای خواست های رانندگانی که هیچ مالکیتی بر کامیون ها ندارند و فقط به عنوان کارگر به شغل رانندگی مشغولند مبارزه کنند. هیچ کس بهتر از خود رانندگان کارگر مزدی نمی تواند بیانگر خواست های آنان باشد.

با توجه به نقش و اهمیت حمل و نقل در اقتصاد و جابجایی. مواد اولیه و کالاهای، اعتراض و اعتصاب کامیوندان به سرعت در جامعه انعکاس یافت و مسئولان نظام برای مقابله با این اعتصاب با سراسیمگی و وحشت از گسترش دامنه آن به اعتراض رانندگان واکنش نشان دادند. دولت برای جلوگیری از گسترش اعتصاب کامیون داران به حربه های متعددی از جمله تهدید، سرکوب، اعتصاب شکنی، مداخله نیروهای نظامی و انتظامی در حمل و نقل اجباری و ایجاد شکاف میان رانندگان متوسل گردید. لیکن قاطعیت اعتصاب کنندگان تاکنون مانع از آن گردیده که دولت و مسئولان حمل و نقل و وزارت ذی ربط به اهداف خود نایل گردند.

روند رو به رشد اعتراضات و اعتصابات در مراکز مختلف صنعتی، تولیدی، کشاورزی و خدماتی، از جمله حمل و نقل و ترابری، ضرورت ایجاد شکل های مستقل کارگران مزدی، از جمله تشکل رانندگان و کمک رانندگان مزدبگیر را در واحد های مختلف این رشته ها و تشکل سراسری در آینده بر پایه تشکل های واقعی پایه ای، نشان می دهد. سندیکاها و یا اتحادیه های مستقل کارگری، قدرت متمرکز کارگران و رانندگان در واحدها و رشته های مختلف جامعه سرمایه داری هستند که پشتوانه و راهبر مبارزات. اعتراضی طبقه کارگر، بویژه در زمینه خواست های اقتصادی و اجتماعی هستند. طبقه کارگر باید برای احقاق حقوق خود، همچنان که برای مزدهای معوق، علیه خصوصی سازی، تأمین بیمه های اجتماعی، تأمین کار و یا بیمه بیکاری برای جویندگان کار و حق برابری مزدی و سایر مزایای شغلی برای مردان و زنان کارگر در قبال کار برابر مبارزه می کند، جنبش مطالباتی خود را بر محور تشکل های طبقاتی، یعنی سندیکا و حزب سیاسی خود سازماندهی کند.

ما پیش از این طی پیام هایی به کارگران صنعت نفت، پتروشیمی، خودروسازی و کارگران معترض صنایع فولاد بر ضرورت تشکیل اتحادیه های طبقاتی مستقل تأکید کرده ایم. اکنون بر این تأکید خود مصرانه پای می فشاریم که: تنها سلاحی که می تواند کامیوندان و به ویژه رانندگانی که با اتکا به فروش نیروی کار. خود هزینه های زندگی خانواده خویش را تأمین می کنند، تشکیل اتحادیه سراسری. رانندگان صنعت حمل و نقل کشور می باشد. تشکل سراسری از پائین و بر اساس سندیکاهای پایه ای در پایانه ها و یا شرکت های حمل و نقل در نقاط مهم کشور، بویژه مراکز صنعتی و تجاری مهم می تواند ثمر بخش باشد. رانندگان، کمک رانندگان و دیگر کارکنان مزدی حمل و نقل کالا عناصر اصلی، زنده و پویای چنین حرکتی هستند که باید با جدیت و افزودن بر آگاهی خود و بهره برداری از تجارب کارگران حمل و نقل در ایران و جهان برای این امر مهم مبارزه کنند. مبارزه متشکل ضامن پیروزی همه کارگران بویژه رانندگان زحمتکش ناوگان حمل و نقل است. پشتیبانی کارگران تمام واحدهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی کشور از مبارزات کامیون داران و بویژه از کارگران مزدی این بخش و یاری به آنان برای ایجاد سندیکاهای مستقل خود یک گام مهم در جهت توانمندسازی طبقه کارگر ایران و تقویت مبارزات کنونی و آینده این طبقه است.

کارگران پروژه های پارس جنوبی

کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

خرداد ۱۳۹۷

جمعی از کارگران محور تهران - کرج

گزارش تصویری نه به اعدام



به شما وعده ~~بخت~~ در آن دنیا را میدهند، در حالیکه از پول شما در همین دنیا برای خودشان و توله هایشان بهشتی برین تدارک دیده اند

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه روزهای پنجشنبه هر هفته است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.
- حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفاً به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijzi@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!